سال دوم ـ شماره ۱۷۴ صبح پنج شنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۲۳ تک شماره یکریال و نیم

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان لاله‌زار ـ باساز بهار)

ماوشاه سابق

سابقه دارد. از یك اشتباه بسیار کوچك شروع میکنیم.

انتقاد بیموقع ـ اما راجع بتسلیت بشاه حاضر

آری سابقه دارد . این سابقه از نخستین قدم مرتجعانه شاه سابق آغاز گردیده است

ما از آن دقیقه‌ای که تمایلات دیکتاتوری او را احساس کردیم طبق وظیفه اجتماعی خود بقلم ، بازبان با انتشار رسالات با تشکیل حزب و اتحاد، و سازمان ها و با تمام وسائلی که ممکن بود در مبارزه مفید واقع شود سرا وعلنا بر علیه او قیام نمودیم .

این سابقه مبتدی است

حتی روزهائیکه هنوز پرده از روی کارهای منفور ناکش نیفتاده جنبه ارتجاعی شدیدش کاملا ظاهر نشده بود ما روی تجزیات اجتماعی طولانی خود احساس کرده بودیم که این مرد مغضوب فوق‌العاده مرموز چهره‌ای پیش گرفته و کشور را در اثر جاه‌طلبی و خودخواهی و حرص و آز خود بکجا می کشاند . این هم سابقه است

آن روز بسیاری از آزادیخواهان مبرز از روی عدم اطلاع کول ظاهر را خورده با همکاری باو مقدمات سلطنت هموار اورا فراهم میاوردند این سابقه هم قابل انکار نمی باشد .

آن روز وضعیت ما دشوار و سخت بود ولی در اثر احساسات خود و بیگانگی افراد بر جسته طبقه زحمتکش ایران حملات ما روز بروز شدیدتر خورده ـ کنندتر و محکمتر میشد .

هنوز آزادیخواهان آن روز فراموش نکرده اند که ما در جواب پیاپه شدید و معروف او «صبب کوه تا منم قلبهائی که برشد آن چیز مینویسند خواهم شکست» او نوشتیم « تو که هستی و با چه حقی میخواهی قلبها را شکسته و زبان ها را به بندی »

این عبارت را ما بیست و اوسال پیش نوشتیم این سابقه از شدید ترین دوره عملیات مستبدانه او باقی مانده است.

بعد از این مبارزه ما آنی منقطع نشده است . این نبرد پر افتخار ده سال ادامه داشت در تمام سنگر هائیکه او یکی بعد از دیگری باظهر و غلبه اشغال مینمود سینه ما سپر بود . البته آن روز در اثر فشار ارتجاع عده‌مان نمی‌توانست خیلی زیاد باشد و مانند امروز کارهای اجتماعی آزاد نبود که هرجاه طلب و ماجراجوئی بتواند در میدان مبارزه سیاسی چوکان بازی بکند . با اخلاق جنون آمیز خود حزب بزرگی را برنگ بگشاند و هرچه بخواهد در حق دوست و بیگانه صالح و طالح بزبان و قلم بیاورد واد مردان آن روز این قدر بیوقاء نبودند که مناقشه و اختلافات ساده خودمانی را در صفحات جراید منعکس بکنند . این در تاریخ مبارزه آزادیخواهان بی سابقه است .

آری مبارزین آن روز با جان و سر خود بازی میکردند . این خودستائی نیست نوشته‌های ما را هنوز حوادث کاملا از بین نبرده است آثار تشکیلات ما را هم کسی قادر نیست انکار بکند واشخاصی که خود را وارث آن مبارزین میرور نمی‌دانند و تصور می کنند که آزادیخواهی از شه‌من آن‌ها شروع شده است بدا بحال آن‌ها .

طوری که گفتیم این مبارزه شدید و طاقت فرسا نه سال طول کشید .

روزی که رضاخان را بالا آورده بود در اثر ارتجاع بین المللی و پیدایش فاشیزم و تاسیس نال سوسیالیزم قوت گرفت و برای ریشه کن نمودن عوامل آزادی به کارهای عمده و شدیدتری دست زده ما را با اغلب یاران مبرزمان نامردانه توقیف کرده بقصر قجر فرستاده نه تنها باحبس و تبعید و توقیف و کشتار بر حسابه بلکه با هو و جنجال و ایجاد اختلاف‌های عجیب و غریب بعقیده خود رك و ریشه ما را می خواست از روی زمین بردارد . این هم سابقه دارد .

امروز هم هر کس در اختلاف نخستین قدم را برمی‌دارد . سابقه را فراموش نباید بکند .

اسارت ما یازده سال طول کشید یازده سال فشار یازده سال محرومیت یازده سال زجر و مشقت و گرسنگی اگر ما جسما را از پای در آورده ولی روحان همچنان قوی بود حتی در آن سخت‌ترین دوره زندان از مبارزه منصرف نشدیم .

مبارزه ما برای خودنمائی و تظاهر نبود . روی عصبانیت بی‌جا و باجاه‌طلبی مانند مجانین خودمان را به آب و آتش نمیزدیم .

طبق اصول مبارزه اجتماعی کارهای خود را از روی نقشه انجام داده با قدم های متین پیش میرفتیم آبرو و حیثیتمان هم همیشه محفوظ بود .

این را مخصوصا باید قید بکنیم که مبارزه بیست ساله ما هرگز جنبه خصوصی نداشته و ما هیچوقت فکر نمی کردیم که از این مرد سفید و حرص و خودپسندی که دارد کشوری را بهلاکت و نیستی می‌راند از نقطه نظر شخصی خودمان انتقام بگشیم .

حتی بعد از شهریورهم که زبان و قلم ما نسبتا آزاد شده بود کینه و احساسات شخصی خودرا برخود او و یارانش بکار نبردیم و نخواستیم حبس و تبعید خودرا در معرض خرید و فروش بگذاریم .

مبارزه ما پیوسته روی اصول ایمان و عقیده و روی حفظ منافع طبقه رنج‌دیده و زحمتکش بود .

البته ما همیشه نسبت بشاه سابق در قلب خود کینه و دشمنی شدید خصوصی احساس میکردیم . این نظر را تا امروز هم تغییر نداده ایم . تا او زنده بود ما پیوسته می‌خواستیم از او انتقام بگشیم ولی نه انتقام زجر و مشقات و محرومیت‌های خودمان را بلکه منظور مان انتقام ملی و اجتماعی بود ما میخواستیم نه تنها از خود بولوی بلکه از رژیم منحوس او هم انتقام بکشیم و میل داشتیم که این انتقام خونین و بیرحمانه باشد .

البته در ایجاد این حس شدید اجتماعی یکنوع حس خصوصی هم دربین بود . آن حس را مرگ سجازی وطنی شرقی و ارانی و محمد افراری و محمد باقر و علی آقای پرورجنتی و سایر جوانان آزادیخواه که در دوره مبارزه سیاسی در میدان جانهای شهریاری کشته شدند ایجاد کرده بود

این حس مقدسی را همیشه تقویت کرده ایم و بعد از این هم هرگز فراموش نخواهیم کرد .

اگر خود رضاخان را طبیعت از چنگ ما نجات داد همکاران و حمایت کنندگان او و اشخاصی که هنوز هم دارند از زیر و از مشت او حمایت میکنند از این نرفته اند این‌ها بالاخره یك روز باید در مقابل میزان انتقام قرار بگیرند و جواب خون های ناحقی را که با دستیاری آنان ریخته شده است بدهند .

این اگرچه تا اندازه جنبه خصوصی و رفاقتی دارد ولی در اصل یك کینه جوئی خصوصی نیست زیرا حجازی ها ارانی‌ها علی شرقی‌ها و ارانی‌ها و سید محمدتنها و پورورجنتی‌ها و امثال ایشان مردمان عادی نبودند این‌ها نمایندگان طبقه معین از جامعه بودند . این‌ها برای جلو گیری از نهضت اجتماعی از بین بردند .

خود رضا خان ما و امثال ما و برای انتقام خصوصی و شخصی زیر منگنه زندان پرتاب نکرده بود او نیز شخص ما و مخالفین و دشمنان جدی رژیمی که بواسطه حفظ منافع خود وطبقه معین تقیب می‌نمود تشکیص داده بود و باخلقه حکومتی ما می‌خواست یك تیپ مخالف اجتماعی را از بین ببرد والا شخصا نه علی هرقرا میشناخت نه ارانی را نه حجازی را با وجود این او از انتقام شخصی هم بدش نمیامد

اصلا مبارزه شخصی ، انتقام شخصی ، کینه شخصی کار مردمان کوچك است روح او باندازه ضعیف و کوچك بود که حتی یك کلمه بسیار ناچیزی را برای خود توهین دانسته از گوینده آن برحمانه انتقام می کشید .

انتقام کینه جوئی اجتماعی است که بعقیده ما بوجوجه نمیشود از آن صرف نظر کرده و اشخاصیکه مبارزه اجتماعی ما را با بیمانه اغراض کوچك و حقیر خود اندازه میگیرند ممکن نیست بعمق افکار و احساسات ما و همکاران ما پی ببرند .

باقی در صفحه ۴

؟

وقتی که در اثر تلقین دیگران بر ضد دوستان خود عصبانی شدید از خود بپرسید آیا آلت دست غیر مستقیم ارتجاع واقع نشده اید؟

وقتی که در اثر احساسات آنی بر ضد یکی از مبارزین راه آزادی اقدام می نمائید آیا تصور نمی کنید که عملا بار تجاع خدمت کرده اید ؟

تصحیح

در شماره گذشته ضمن اظهار تسلیت غلط فاحشی اتفاق افتاده بجای فوق‌العاده مرموز، مرموز فوق‌العاده چاپ شده است این مطلب را تصحیح بکنید

سلاح قلم

موقع کتاب های بزرگ نیز که فقط از حیث حجم بزرگ نخواهند بود خواهد رسید ، اگرمن باز میگویم که جنبیت و نفوذ نویسنده در روزهای جنگ افزون گشته منظورم این نیست که ما مصنفات بزرگ بوجود آورده ایم . گاهی یك یادداشت کوچك که باشتاب نوشته شده باشد از مقاله های مفصل گرامی تر و پربهاتر است . مردمی وجود دارند که در مقابل ادبیات حساس نویسنده‌ها طوری که اشخاصی وجود دارند که از موسیقی چیزی درك نمی کنند . صدای نویسنده اکنون حتی بگوش اینان نیز رسیده است . اگر در ضمن انجام حرفه دشوار ما مامور یتی حس می‌کنیم از این است . آری در مقابل ما در طی این جنگ ـ مجله‌ات چاپ شان بوجود نیامده یادکار های جاویدان شمر وادب برپا نگشته بلکه صدای زنده نویسنده بگوش همه رسیده .

این ضامن خوشبختی های آینده و کتاب های آینده است نویسندگان هر کز ازمات دور نمیشوند و مردم هم نویسندگان را هرگز نمیکشند . من کوشش می کنم اسرار این ملاقات را کشف کنم .

بیش از همه ما اغلب فقط وقایع را شرح میدادیم و پیش آمد هائی را که بر اعظمت بود ثبت می کردیم ، این حکم صورت مجلس را داشت . ولی صورت مجلس حتی اگر معجزه را هم ثبت کند باز صورت مجلس است ، کتاب های ما هروقت وارد عالم احساسات میشد جنبه عقب نشینی پیدا میکرد . سعی می کردیم زندگی جاری را ضبط کنیم عمل ما گاهی شبیه کسی بود که چهار چوبه نقاشی را جلو خود گذاشته و بخواهد مسابقه سرعت اتومبیل ها را رسم کند . گاهی ما شرح وتفسیر طریقی که بشریت وجامعه انتخاب

باقی در صفحه ۲

س ـ ر

مجازات مسببین جنگ

نزدیك بپنجسال است که این جنگ عالمگیر آغاز شده و در این مدت ملل و دول شیفته آزادی و نجوا برده و زحمت ها کشیده و فداکاری ها نموده اند تا دنیا را از وجود غول فاشیسم و هیدستانش پاك سازند بالاخره جهان نبرد را دگرگون ساختند . امروز لشکریان شوروی در پشت شهر روشو و سرزمین بروس شرقی می جنگند و سربازان سایر متفقین ما از طرفی در حومه شهر فلورانس و از طرف دیگر در جبهه نرماندی در فرانسه پیش میروند و در اقیانوس آرام یکی یکی جزایر را آزاد میسازند و در داخله اروپا جنبش های ضد نازی آزادگان روز بروز شدیدتر میگردد و ستاره صلح دارد نمایان میشود و کرهٔ ارض از ظلمت و بد بختی جنگ رهائی میابد . اکنون ملل بفکر این افتاده اند که بدانند بمسببین جنگ چه معامله خواهد شد با کسانیکه بدون علت و فقط بسبب داشتن قدرت و متکی بودن بزور سرزمین ملل کوچك را پس از لهب و چپاول زیر پا گذارده و گذشته

باقی در صفحه ۲

www.iran-archive.com

ماو شاه سابق

بقیه ازصفحه ۱

مبارزه و انتقام جوئی این قبیل اشخاص مانند نظرشان گرداه وافکارشان نارسا خواهدبود و مبارزه ما اجتماعی است انتقام جوئی ما قطعااجتماعی وخالی از اغراض شخصی خواهد بود ما حتی اگر زجر و مشقت بیست سالهراهم نکشیده بودیم از انتقام صرفنظر نمی کردیم

از یك اشتباه بسیار کوچك طروح می کنیم

او اخردر روزنامه ها عبارت «مال رضا خان مد هده است هر کس که می خواهد برای تظاهر و اغراض خودرا آزادی خواه دوآتشه قلمداد کند بمال رضاخان فحش می دهد .

ما طوریکه گفتیم با هرچه که مربوط برژیم رضا خان و مال اوست مخالف بوده وهمیشه برعلیه آن مبارزه کرده ومیکنیم . دوانیجا حرف ما سر استعمال عبارت فوق است بعقیده ما استعمال این کلمه هدف مبارزه تاریك می شود و عده زیادی از مرتجعین مانند قوام السلطنه وسید ضیاءالدین وسایرین از آن سوءاستفاده میکنند

طوریکه در بالا گفتیم مبارزه آزادیخواهان واقعی روی اشخاص و نظریات خصوصی نبوده و نیست . اگر ا رضاخان مبارزه شده است برای این بوده که او مدتل و نماینده جریان ارتجاعی شناخته شده گذاشته اند وضد آزادی در شخصیت او تمرکز یافته است

بنابراین تمام مرتجعین راعمال رضا خان نامیدن کار صحیحی نیست برعکس خود او غیراز آلت بلا اراده عناصر ارتجاعی چیزدیگری نبوده و غیر از حفظ نگهداری منافع طبقات ممتاز ارتجاعی منظور دیگری نداشته ونمیتوانست داشته باشد . برای اینکه خود او یکدرمافوق طبقات اجتماعی نبود.

بالاخره او بمرور زمان بزرگترین ملاکین و پولدارترین سرمایه داران ایران شده و تاجار بود برای حفظ منافع این طبقه قوی کور کورانه جنایاتی را که ازاو مشاهده شد ادامه بدهد از این نقطه نظر آنهائیکه امروز عمال رضا خان نامیده میشوند درعمل اربابان او بوده اند

رضا خان را بالاخره آنها تقویت کرده روی کار آورده بودند که آمال وآرزو هایشان را بازور بازوی اوانجام بدهند اینها و عمال رضا خان نامیدن اهمیت وارزش ارتجاعی هارا کم میکند به قضیه جنبه شخصی واخلاقی میدهد در صورتیکه آن باتمام معنی اجتماعی وسیاسی است

مخصوصا هنگامیکه اورا طبیعت از میان برداشت وقوه مقاومت اورا از بین برد این موضوعها باید سربعنر و روشنتر گفته شود . این واقعیات تاریخی میگویند وقضاوت تاریخ قطعا باید بی طرفانه باشد

امروز رضاخان تراهیچ هستند که درمقابل نهضت آزادی قد علم بکند میخواهند بهرقیمتی باشد رژیم رضاخانی را نگهدارند و بهر وسیله باشد رژیم عنوان دیگری رضاخان معاصر دیگری بتراشند.

البته میان اینها اشخاصی یافت میشود که درزمان رضاخان مصدر شغل وکاری بوده اند ولی برای ایجاد رضاخان دیگر فعالیتشان از آنها که زیر دست رضا خان کارمیکردند بیشتر است اینها نماینده صاحب طبقه ایهستند که رضاخان والازم دانند و آنرا بهتر وسیله باشد میخواهند بتراشند.

این تیپهای قدیم وجدید امروز مدتها دراین وقته سیر میکنند تصادفی نیست که شمار (دست عمال رضا خان کوتاه) را طرفداران سید ضیاءالدین که ترو ازجهات زیادی از رضاخان مرتجع ترو خطرناکترند از روزنامه های دست چپ گرفته می کم و زیاد استعمال می کنند.

اینها میگویند ماهم دردوره رضا خان مصدر کاری بودیم بنابراین ماهم برای براندا ختن عمال رضاخان مبارزه میکنیم زیرا او بودکه بوماهارا کشت املاکمارا گرفت زندگانی اشرافانه ما را بهم زد. دکان هوامفریبی مارا تخته کرد کلاهمارا تغییر داد وانانمارا از چادر بیرون کشید. هما اگر ارتجاع را فقط از امیال وهواهوس جسمانی او بدانید نابوده در مقابل مخالفین دروغی وشیاد ومرتجعین گوناگونی که برای برگرداندن عمامه وچادر وروبند دارند باو فحش میدهند ساکت باشید

طوریکه گفتیم هنوز عناصر یکه رضاخان را تراشیده بوجود آورده اند مانند سابق سر بستهای خود هستند و دارند برای استحکام موقعیت سیاسی خود باهر گونه نهضت و حرکتی که ممکن است بنفع آزادی تمام شود مبارزه میکنند

آخوندبازها، عناصرملوك الطوایفی نیز باین آتش دامن میزنند

رضاخان ایجاد کنها بدور نیستند شما آنهارا در مجلس شورای ملی در بازار، درکوبر بانکوه ، در دوائر دولتی در پشت میز وزارت در لباس حق بجانب توی احزاب وسازمانهای سیاسی بالاخره در همه جا میتوانید پیدا کنید

ازهمه اینها مهمتر ادامه رژیم رضا خانی است که کماکان السابق برقرار و محکم درجای خود ایستاده است

مبارزه ما و هدف اساسی ما اینها است ما بطورساده وصریح میگوئیم ما با مصطفی که رضاخانها را ایجاد میکند یا عناصریکه برای حفظ منافع خود و پایمال نمودن حق مردم رضا خانها را بوجود میاورد مبارزه میکنیم

اگر بخواهیم عبارت کوتاه تارسای مبارزه باعمال رضاخان و اهمارخودقرار بدهیم ناچاریم از مرتجعین که درودستگاه رضاخان کار کرده اند مانند سید ضیاء الدین، اوام السلطنه وعناصر ملوك الطوایفی وآخوند وآخوند بازها و امثال اینها صرف نظر کرده و با آنها همکاری نمائیم

می بینید نه تنها بکنفر نویسنده بلکه عده زیادی از نویسندگان هم نه اینکه برای یکبار بلکه برای مدت طولانی میتوانند درامسعمال عبارات ازروی عدم توجه اشتباه بکنند . و برای این قبیل اشتباهات هم قبلا گفت که نویسنده و یا نویسندگان فلان روزنامه ملی مرتجع شده آزادی خیانت کرده اند

اشخاصی ممکن است اشتباه نکنند که کار نمیکنند وچیز نمی نویسند وحرف نمیزنند برای اشخاصیکه مجبورند روزی چندمقاله بنویسند توی هزاراراق فکر درست حسابی یك یا چند اشتباه غیر ممکن است نباشد ماگر بخواهیم که اشتباهات سیاسی وا مقالین ما گرده ومیکنند بنویسیم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد بود . و تصور هم نمیکنیم آقایان آهدز منصف باشند که نتوانند اشتباهات خودرا گیر بیاورند وبسوخود اعتراف نمایند

البته این قبیل خورده گیریها بعقیده ما ازعدود دوستان تجاوز نمیاید بهتر خواهد بود زیرا دشمنان آزادی قطعاسعی خواهند کرد از آن سوء استفاده نمایند این بهانه را بدست آنها دادن بعقیده ما بزرگترین خبط سیاسی است واصرار و سماجت در آن را بایستی گفت خیانت است.

انتقاد بموقع

ما از انتقاد بموقعیکه برای اصلاح بکار برده میشود بسیار خوشمان می آید انتقادی که در مبارزه و زدوخورد سیاسی برای مغلوب کردن دشمن استعمال میشود بعقیده ما بسیارلازم است .

ولی انتقاد داخلی را روی اغراض خصوصی وعصبانیت بیجابستون روزنامه ها گشتن ودوستان خودرا مغرضانه مورد حمله قراردادن کار بسیار ناستوده ایست

ما طوریکه گفتیم هر کسی که کار میکند گمو بیش اشتباه خواهد کرد. باید درنظر بعضی ها لحن تسلیتی که ما بشاه گفتیم یکی از اشتباهات ما باشد . با حتی از نقطه نظر بعضی ها لازم نبود این تسلیت گفته بشود . درهرصورت این یك سوءتفاهم ساده ایست که اگرحسن نظر باشد بگفتگو ومناقشه زیادی احتیاج ندارد و رفع آن کار دشواری نیست .

البته ما ازانتقاد دوستانه یاران خود باید متشکر باشیم که ما را بیك نکته بسیار دقیق متوجه کردند . آن غفلت از زرنگی حسودان و مغرضین بود. البته ما میبایستی زودتر باین نکته پی برده در نوشته جات خود بیشتر دقت میکردیم که بدست آنها بهانه نیافتاد از بشه قبل درست نکرده ودر « موقعیکه ما در بزم طاقت فرسا ترین مبارزه و بر عایه ارتجاع ادامه میدهیم از پشت سر خنجر خودرا غلب ما فرو نمیبرند .

ما تصدیق داریم که یك اشتباه ساده چاپی معنی مطلب را تغییر داده است آن پس ویش افتادن کلمات مرموز و فوق العاده است ازاین قبیل اغلاط درهمان شماره خیلی زیادمشاهده میشود این دردی است که فقط نویسندگان شمع آنرا می توانند احساس بکنند وخیلی اتفاق افتاده که در اثر اشتباه چاپی معنای جمله کاملا برعکس شده است .

این نیز نه تنها دوآزبلکه در تمام روزنامه ها بطور فراوان دیده میشود .

مادر همین شماره مطلب را اصلاح کردیم . بدون این هم اگر همان شماره را آقایان بادقت مطالعه میکردند . می فهمیدند که نظر ما در خصوص شخصیت شاه سابق چه بوده است وحتما خودشان هم میتوانستند حدس بزنند که در این اشتباه نفی است که معنی مطلب تغییر یافته مرد فوق العاده مرموز مرد مرموز فوق العاده شده است .

وانگهی منتقدین ما این قدر هم بافکار وآمال ما بیگانه نبودند آنها اگر با مقیاس خود هم زرع میکردند میدانستند که من و امثال من ابابد مرد جنایتکار عامی مستبدی رامردفوق العاده معرفی بکنیم .

مگر اینکه گفته باشم مردفوق العاده چالی آدم فوق العاده خواهدبود مرموز فوق العاده عوام وجاهطلب بوده است .

طوریکه گفتیم انتقاد از نقطه نظر انتقاد از نقطه نظر مبارزه باشمن بدرجه روش بسیار مفید و بسیارخوب میباشد. ولی انتقادی که روی اغراض مغرور کوچك قرار گرفت جنبه نصح و ناسزا پیدا میشد که جواب ندارد .

مثل تهمت ارتجاعی هدن ما که بعقیده تسمه آمیز هم میبارد.

اما راجع به تسلیت به شاه حاضر

ماممکن نوشته ایم که برای نگهداری قاعده بازی شاه نبایدبامور جاری کشور مداخله بکنند درعین حال عنوان رسمی که قانون اساسی باوداده است مادامیکه طبق قانون سلطنت گرفته قابل بدکناتوری بروز نداده بر خلاف اساس مشروطیت و قانون اساسی رفتارنموده اند باید محفوظ باشد .

و ازمگر نوشته ایم که آزبر یك روزنامه مستقل ملی است که حفظ منافع اکثریت جامعه یعنی طبقات زحمتکش را هماز خود قرار داده است .

البته هدف اصلی ما حالیتر است ما میخواهیم کشور مادوش بدوش ملل متمدن دنیا به مافون ایدهال بشری موفق شده در ایجاد یك جهان خالی از جبر و بیدادگری وفقر وبیچارگی هاهم بسرائی داشته باشد .

البته خوانندگان میدانند که برای رسیدن بهدف اساسی مراحلی پیش میاید که آنهارا باید بالاکتیك صحیح طی کرد. امروز کشورما درمرحله ازمراحل اجتماعی تمدن بشری است که عللا برای آن رژیم مشروطیت و اجرای قانون اساسی موجوده را لازم دانسته اند.

طبق قانون اساسی مقام سلطنت باید باشد وماتا برعلیه قانون اساسی قیام نکرده ایم در این اصل هم لازم نمیدانیم کاری بکنیم که موجه تقاضی پیش بیاید . بیش ما نمیخواهیم مانند دست ماهرا جریان از قبیل سیدضیاءالدین و همکاران او با بیرقك و حمله بازی روی اغراض خصوصی خود قاعده بازی را بهم بزنیم .

علاوه براین ما از مسرك دشمن خصوصی یا عمومی آنوقت اظهار بشاشت میکنیم که خودمان اورا در ابرد ازبین برده باشیم . متاسفانه از شاه سابق پیش آمدها بما اجازه داد انتقام یاران خود و ملت ایرانرا بکشیم او با اجل طبیعی فوت کرد . بنا براین در مرك او ماکاری نکرده ایم که برای کسب افتخار آن اظهار خادمانی کرده بگوئیم :

دمی آب خوردن بی بدسگال

به از عمر هفتاد و هشتاد سال

وعلاوه براین یکی ازاخلاق ستوده ایرانی این است که از دوست و دشمن اشخاص مصیبت زده راهنگام عزاداری آزار ندهند و مخصوصادر مرطبیتی که سرزنش وبدگوئی موضوع نداره .

وانگهی اگرما بخواهیم فرزند استول جنایت پدر بدانیم که از شاه سابق هم در بیدادگری خطرتر رفته ایم .

به خیر هر کسی مسئول اعمال شخصی خودش میباشد وماطوریکه در بالا گفتیم مبارزه وهدف اجتماعی ما درچیزی خود محفوظ است آنرا هیچکس نمیتواند تغییر بدهد ولی اگر بدون نظر خاص ومنظور سیاسی معین برای حفظ اراکت وآداب رسوم، یك روزنامه ملی بقاء مشروطه تسلیت گفته باشد چه جنایت بزرگی کرده است وانگهی موضوع ساده ایکه بالاتر در مذاکره خصوصی قابل حل و تسویه است چرا با آن مشکل رفته در روزنامه انعکاس پیدا بکند . از دوستان ما آنها که میخواهند که التبه بسیار متشکریم و میدانیم که آنها نظرشان جلوگیری از غرضرانی مخالفین ما بوده است. ولی مغرضین را باهیچ دلیل ومنطقی نمیشود قانع کرد برای اینکه غرض دلیل ومنطق نمیپذیرد

اما راجع بقضاوت تاریخ

هر چه شما بخواهید فریاد بکنید قضاوت تاریخ بکلت من وشما تغییر نمیکند دست بیطرف تاریخ بیرحم بی ملاحظه و بیطرف است .

شما بگوئید ما برای پیش بردن مسلك و عقیده و مرام خود مبارزه می کنیم این را ما قبول داریم .

ولی مبارزه اجتماعی با تشیع بی طرفانه تاریخی یکی نیست .

تاریخ را ما مهنامه نمیدانیم . این بحث دیگری است . اگر لازم شد از وارد شدن در آن نیز بعداً نمیاید اما قضاوت بی‌پرداز هر قضاوت تاریخی وله نیست .

مجازات مسببین جنگ

بقیه ازصفحه ۱

ودر خاك ملل بزرك پیش از آنکه تو سری بخورند بقتل و غارت پرداخته اند چگونه رفتار خواهد شد. پدران ومادران سالخورده که هزبران خویش را پس از یك عمر مشقت ومبارزه بانا سازگاری های طبیعت به ثمره رسانده و بمیدان جنگ فرستاده اند وابنك آن جگر گوشه ها را که تنها امید وامید مایه زندگی بوده از دست داده اند نگرانند و مبهوت وناامید میخواهند بدانند مسببین این بد بختیها چه روز خواهند افتاد

آنها که کودکان خردسال بی پدر و مادر را می بینند ومیدانند که بدوان و مادران این اطفال قربانی پنجه های مخوف و قتال جنك گردیده اند انتظار دارند ببینند دنیای متمدن با برپا کنندگان جنك چه خواهد کرد

روبهمرفته تمام افراد ملتی که در این جنك دچار مصائب وبدبختی بوده وهزاران گونه محرومیت وخسارت مادی ومعنوی راتحمل شده وهم گدام بتناسب قدرت واوضاع خود لطماتی هانموده و جنك را ااینها رسانده اند اکنون پیش خود میگویند این ماجرا چوبان ثوسی مذری که مثل بدست گرفته و مست واو دیارا بآتش زده اند چگونه مجازات خواهند شد.

موضوع فوق العاده مهم است .اگر پس از پایان جنك بین المللی قبل هنگام تنظیم مواد معاهده صلح دست های ارتجاع بکار نیفتاده ومواد مربوط به مجازات مسببین جنك وکسانیکه برعلیه مقررات جنگی رفتار کرده اند پیاوه ای ملاحظات کشدار وغیر قابل اجرا تنظیم نشده بود وتیصر آلمان وهمدستانش در محکمه بین المللی محکوم ومجازات می شدند نمیگوئیم که ازجنگهای جهانگیر اله جلوگیری میشد ولی این جنك فعلی لااقل این آسانی حاسر نمیگرفت

درآنموقع ازاین که امپراطور بپای محاکمه کشیده شود ومجازات ببینند وحقت داشتند از عواقب آن بیمناك بودند بخصوص که درهمان اوان در روسیه هووری یك امپراطور چهارسال دیگر ازطرف ملت مجازات شده بود لکن اکنون میبینیم که ملت ملل وعده تجربه آنها به این مسئله درآن روز چه بعدی مالی را امروز ایجاد نموده وچگونه در این چندسال ملل آزادی خواه ومردم بی آزار گرفتار سر بازاران هیتلری ودژخیمان

باقی درصفحه ٤

اخبار کشور

جشن مشروطیت

طبق اخبار رسمی مراسم جشن مشروطیت مانند سالهای پیش بطور رسمی ومطنطن روز ۱٤ مرداد اجرا خواهد شد.

درانجمن سبارزه باتریاك والکل

بیست وششمین جلسه انجمن مبارزه باتریاك والکل روز یکشنبه ۸ مرداد در محل انجمن تشکیل گردیده تحت مراسله جمعیت شیر وخورشید سرخ مطرح وهمکاری انجمن باجمعیت تائید شد. طرح قانونی در موضوع منع کشت و مجازات معتادین وقاچاقچیان مورد بحث قرار گرفت.

آقایان احمدی بختیاری ودکتر محمداحسان وارسنجانی وضرغام پور قبول عضویت نموده‌اند.

انتصابات وزارت دادگستری

آقای شمس‌الدین محمد جامع امین دادگاه بخش آباده بامانت دادگاه بخش شهرداری شیراز.

آقای هادی صدوقی امین دادگاه بخش شهرداری شیراز بامانت دادگاه بخش آباده.

آقای علی قائم‌مقامی امین دادگاه بخش شهرداری کرمانشاه بامانت دادگاه بخش آباده.

آقای علی قلی امیر ریاحی امین دادگاه بخش اوسیاران بامانت دادگاه بخش میانه.

آقای ابراهیم مبصری کارمند علی‌البدل تبریز بامانت دادگاه بخش ارسباران

آقای محمد دیانت امین دادگاه بخش صباغ بکارمندی علی‌البدل تبریز

آقای احمد افشار یاسائی بکارمندی علی‌البدل دادگاه بخش تهران

آقای ابوعلی صفائی نراقی بازرس قابل بیازپرسی دادگستری قم

آقای محمدتقی حامد پور بازرس آبادان بیازپرسی بابل.

دربرابر رادیو

روز جمعه ۱۳ مرداد ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه (ده و پانزده دقیقه بعد از ظهر) آقای دکترضا زاده‌شفق دو رادیو سخنرانی ایراد خواهند نمود

بزرگترین کاروان قله دماوند

مرکب از ۵۰ نفر کوه‌نوردوروزنامه باشگاه ورزش بکار بدریت آقای منوچهر مهران برای صعود قله دماوند امروز ساعت ٦ صبح عزیمت خواهند نمود

بودجه دادگستری

پیش از ظهر دیروز کمیسیون فرعی بودجه با حضور آقای دکتر خوش بین معاون وزارت دادگستری ورئیس حساب داری آن وزارتخانه در مجلس تشکیل گردید وبودجه تفصیلی وزارت دادگستری رسیدگی مینمودند

عکسهای مربوط به نیروی دریائی

تعدادی عکسها و نقاشیهای مربوطه جنگهای دریائی کنونی درشعبه انتشارات سفارت کبرای انگلیس در میدان سپه بمعرض تماشا گذاشته شده است در این عکسها انواع کشتی ها از قبیل جهازات بسیار بزرگ نیروی دریائی انگلیس ـ ناو های هواپیما ر کشتی های تجارتی ناوشکنها کشتی‌های مخصوص مین‌روبی و مین گزاری زیردریائیها وقایق‌های ماهیگیری دیده میشود بعلاوه یکی از تصاویر مزبورمقطع عرضی یك‌رزم ناو را نشان می‌دهد

مهم‌ترین اخبار جهان

استعفای رئیس جمهور فیلاند

استکهلم ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس رسما از هلسینکی خبر میدهند که رئیس‌جمهور فنلاند استعفا داده‌وماژشال مانرهایم جانشین او گردید.

مانرهایم باصدور فرمانی بدین‌مقام برگزیده‌شده‌ومانند روسای جمهور پیشین انتخاب نشد.

فرمان مزبور پیش‌بینی میکند که پرفسورلین کوینن‌معاون‌ریاست‌جمهور خواهد بود وکارهای اساسی ریاست جمهوری‌را انجام خواهد داد.

خبرگزاری آلمان ازهلسینکی خبر میدهد که‌روز سه‌شنبه پنج بار مجلس شورای ملی‌فنلاند جلسه محرمانه تشکیل داد.

پیشنهادی که رسیده بود دوباره خوانده شد ولازم است بارسوم نیز آن خوانده شود. بموجب قانون اساسی فنلاند باید قرائت سوم پیشنهاد سه‌روز بعد بعمل آید ودفعه سوم‌پارلمان مجاز است‌درباره اینکه آیامکن است‌پیشنهاد بصورت قانون در آید؛ تصمیم بگیرد بجز ترتیبی که‌در بالا گفته شد بطریق دیگر نمیتوان رفتار نمود.

دبیر مسائل سیاسی خبر گزاری انگلیس میگوید که‌مارشال مانرهایم محتمل است تنها کسی‌باشد که بتواند مسئولیت شرایط صلح بارووسا راقبول نماید.

بنابراین ناگزیر میباید دولت‌جدید خویش‌را از مردانی تشکیل دهد که دولت شوروی حاضر باشد با آنان به بررسی مسائل بپردازد.

این‌خبر برای آلمانهایش از آنکه بانرکها قطع رابطه نمایند بسیار اسف انگیز میباشد.

شرارت وچاقوکشی

احمد و شعبان نامان در شیراز با علی نام طرف نزاع شده و باچاقو اورا مجروح کرده‌اندمجروح به‌بیمارستان اعزام مرتکبین جلب‌وبه دادگاه نظامی تسلیم شده‌اند

•••

محمد قلی سرباز وظیفه جزونیروی هوائی که اخیرا اززندان مرخص شده ذکرکوچه پشت بدنه باکاردبطرف‌عابرین حمله و صورت سرباسیان ۳ کاغذی بازرس مخل را که‌خواسته‌ازعملیات اوجلوگیری نماید بادسته کارد مجروح و متواری شده است‌برای دستگیری مرتکب اقدام وقضیه تحت‌تعقیب میباشد

•••

حسین کام سرباز وظیفه جزو هنك یك بار کشی درتبخش ۱۰ با چاقومصطفی نام و مجروح کرده مجروح بیمارستان اعزام مرتکب بدادگاه نظامی تسلیم‌شده است.

•••

گروهبان بك ابوالفضل رکنی بکلانتری بخش ۱۲ دادخواهی نموده که از این باوبه‌بطرف‌ظهیرآبادمیرفته احمدنام که پیشینه چاقوکشی دارد‌باچند نفر دیگر باچاقو سر او را مجروح و ۱۷٦۰ ریال وجه شاخالیه را ربوده فرار کرده‌اند مجروح به‌بیمارستان‌اعزام وبرای دستگیری مرتکبین اقدام وقضیه تحت‌تعقیب‌است

دستگیری سارقین

زورو علی و یدالله نامان در حین ارتکاب سرقت در خیابان فردوسی دستگیر و باداره آگاهی تحویل شده اند.

ازشورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران وزحمت کشان ایران

رونوشت روزنامه رهبر رونوشت آذربایجان ـ دماوند ـ ظهر.

خیابان فردوسی شورای متحده مرکزی کارگران درجلسه تاریخی هشتم مرداد ماه‌باحضوراکثریت تمام‌نمایندگان کارخانه‌ها وکلیه تشکیلات های کارگری تبریز باتفاق آراء تصمیم گرفته شده طبق پیشنهاد نماینده معتمار مرکز تشکیل جبهه واحد کارگری را به دست آوردن حقوق خود فورا عملی نمودوبه بشورای ایالتی نتیجه جلسه داده شد ازطرف عموم کارگران آذربایجان این وحدت راکه‌علی رغم مخالفت‌شدید ارتجاع بعمل آمده است به‌کارگران ایران ابلاغ و تهنیت گوئیم علی زاده بی‌ریا آخرزاده زاده بادگان بور قابیسم اعدی شش انگشت بیکنام

شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران وزحمت کشان ایران

دولت ترکیه از امروز کلیه روابط سیاسی واقتصادی خود را باآلمان قطع‌نمود

•••

مسکو ـ طبق گزارش خبرگزاری انگلیس اعلامیه دیشب شوروی مشعربر آنستکه نیروهای ما در روز اول ماه اوت درجهات باختر و جنوب باختری بسنگر پیکارهای نهائی خودرا تعقیب نموده شصت نقطه مستکونی از جمله یك ایستگاه راه‌آهن را تصرف کرده‌اند.

درطی نبرد در اندر ـ لو آر آلمانیها متحمل تلفات بسیار سنگینی گردیده اند.

حمله برعلیه راه آهن ها حمل و نقل فوری آلمان را مختل کرده است.

•••

لندن ـ خبرگزاری انگلیس‌اطلاع میدهد وزارت دریاداری امریکا اعلام داشته‌که ارتش امریکا برای‌پس گرفتن جزیره‌گوام ازژاپنیها‌خطی ایجادکرده است‌که از آگاناواقع‌در کرانه باختری تا باگو واقع در کرانه خاوری امتداد دارد در قسمت جنوب‌جزیره‌دشمن‌بطور پراکنده مقاومت‌میورزد. نیروی‌دریائی پیوسته از قوای زمینی پشتیبانی‌میکند کشتیهای جنگی‌ازطرفین جزیره پیوسته به شلیك میپردازند.

تا کنون ٦۰۰۰ تن ژاپنی کشته شده‌اند.

اعلامیه ژنرال ماك ارتور حاکی است‌که بعض کرانه ناشابور واقع‌در گینه جدید علاند و جزیره های نزدیك آمستردام و مبدل‌بورك اشغال شده‌است ژاپنیها فعالیت متقفین رایش‌بینی نکرده وهیچگونه مقاومتی ابرازنکردند

توکوم در ۳۰ میلی شمال باختری مینو و ۳۵ میلی باختری ریگا قرار دارد ارتش سرخ ازاین شهر اخیر گذشته و بدمیلی کرانه رسیده وبالاخره لخطوط ارتباط آلمانهارا باشمال بالتیك قطع کرد.

اعلامیه همچنان تصرف کالوسون‌را که دربیست میلی باختر سیدلیس و ۲۳ میلی ورشو قرار دارد اعلام میدارد.

•••

لندن ـ جان گینیش مفسر نظامی خبر گزاری انگلیس چنین مینویسد. اوقرائن بیشمارچنین‌هویدا میگردد که نازیها برای یك نبرد مخطیانه حتی در صورت تسلیم شدن مات وارتش آلمان مقدماتی آماده مینمایند.

دستجات نازی یك قسم ابهت مخفیانه برنامه‌ای در داخل آلمان‌تدارك میکنند وعزم‌دارند از تانکها و توپها و انبارهای اسلحه‌ومهمات خویش‌استفاده کنند.

اگر این خبر واقعا حقیقت داشته باشد چنین باید نتیجه گرفت که‌نازیها امیدوارند در فرانسه نبرد قطعی‌صورت نخواهد گرفت.

غافل از اینکه نتایج جنگ‌درفرانسه اعم از آنکه هرچه باشدآلمانها هرگز قادربه جلوگیری ازدخول ارتش سرخ‌در آلمان نخواهند بود.

•••

توکوم درمحل تقاطع راه آهنی واقع‌است که پس‌از هیوواز مینو باراهی که‌از ریگ گذشته و در کرانه واقع‌است بسوی شمال باختری امتداد میابند.

لندن ـ خبرگزاری انگلیس‌اطلاع میدهد اعلامیه ستاد ارتش متفقین حاکی است فعالیت میهن پرستان که همواره خطوط عقب نشینی آلمانها رادرفرانسه تهدید مینماید اینك آنانرا مجبورنموده است که باد کان خویش را تقویت کنند.

در ورکو واقع درجنوب حاوری فرانسه آلمانها مدت ۵۰ ساعت‌باآتشبار و نیروی هوائی وباز برعلیه‌میهن‌پرستان جنگیدند.

در وردونی و وین قوای میهن پرستانه فرانسه حملات سختی بدشمن نموده اند.

آلمانیها متحمل تلفات بسیار سنگینی گردیده اند.

حمله برعلیه راه آهن ها حمل و نقل فوری آلمان را مختل کرده است.

•••

لندن ـ خبرگزاری انگلیس‌اطلاع میدهد وزارت دریاداری امریکا اعلام داشته‌که ارتش امریکا برای‌پس گرفتن جزیره‌گوام ازژاپنیها‌خطی ایجادکرده است‌که از آگاناواقع‌در کرانه باختری تا باگو واقع در کرانه خاوری امتداد دارد در قسمت جنوب‌جزیره‌دشمن‌بطور پراکنده مقاومت‌میورزد. نیروی‌دریائی پیوسته از قوای زمینی پشتیبانی‌میکند کشتیهای جنگی‌ازطرفین جزیره پیوسته به شلیك میپردازند.

تا کنون ٦۰۰۰ تن ژاپنی کشته شده‌اند.

اعلامیه ژنرال ماك ارتور حاکی است‌که بعض کرانه ناشابور واقع‌در گینه جدید علاند و جزیره های نزدیك آمستردام و مبدل‌بورك اشغال شده‌است ژاپنیها فعالیت متقفین رایش‌بینی نکرده وهیچگونه مقاومتی ابرازنکردند

شماره نوبتی سه‌شنبه ۱۰ مرداد آذر

بمناسبت ابودن کاغذ منتشر نشد

روزنامه آذر

روز یکشنبه بعلت تعطیل چاپخانه منتشر نمیشود.

بمناسبت جشن مشروطیت

حزب دموکرات ایران که حفظ ومراعات رسوم‌ملی وسنن نهضت‌آزادی را جزء شعار واجب‌الرعایه‌خود میشمارد روزهشتم چهاردهم‌مرداد را که آغاز سی و اومین سال مشروطیت است جشن‌رسمی حزبی خویش‌شمرده وازعموم‌اعضاء ودوستداران حزب دعوت میشودکه در ساعت هفت بعد از ظهر روز نامبرده درمجلس جشن وسخنرانی که درمرکز حزب دایر خواهد بود حضور بهمرسانند

حزب دموکرات ایران

جشن وپذیرائی

در انجمن دانشوران ایران

بمناسبت تصادف مولود مسعود حضوت قائم(ع)باعید بزرگ آزادی‌روز پنجشنبه ۱۲ مرداد ساعت هفت‌ه‌ازظهر مجلس جشن‌ازطرف هیئت مدیره‌انجمن دانشوران برپا میشود.

ازعموم مدیران ونویسندگان محترم‌ورابط وارباب علم وادب‌ودانشمندان وسخنوران دعوت مینماید که باتفاق باتوان خود در این جشن بزرگ اسلامی و شادمانی ملی شرکت فرمایند

مدیر انجمن دانشوران ایران

عادل خلعتبری

نشانی : امیریه ـ ایستگاه مهدیه ـ کانون دانشوران

تلفن ۵۷٦۸

صبح روز یکشنبه ۱۵ مرداد

جریان مشروح محاکمه میرزارضای کرمانی ـ نظر پیشنهادی برای‌اصلاح وضع‌کارمندان. علل‌پیدایش کودتا وبسیاری مطالب مفید دیگر را در روزنامه عالم بخوانید.

بواسطه زیادی اخبار پاورقی چاپ نشد

www.iran-archive.com

آثیر

سلاح قلم

بقیه ازصفحه ۱

کرده و پیش میبرد میبرد اختیم در حالیکه پشت سر آن حرکت میکردیم .

بارها وقتی مردمان های آن زمان را بدست گرفته و می خواندم بنظر میامد که نویسنده آن مصنف نیست کارگردان هم نیست حتی سوفلورهم نیست - بلکه شبیه جارو کشی است که سالون نمایش را بعد از نمایش جاروب کرده و گرد و غبار آن را بشکل کتاب درآورده. چنانه فرا وسیع ، قلب هریك از ماراپر میکند حلت مابیدرا پذیرفت - در حینی که با فهم ومنطق مجهز بود . این خدمتی است که سازمان شوروی بما کرده است ملت مامیداند برای چه جنك میکند . ولی در جنك دانستن تنها کافی نیست باید بشدت وباغراط حساس بود .

جهانی وجود دارد که نویسنده در آن دیگر حالت انعکاس صوت و ضباط و هاکردرا ندارد - آن جهان احساسات است از این جهت است که صدای نویسنده درروزهای جنك بشدت تمام طنین افکن شده واستماع گشته .

هرگز روزنامه ها مانند ایام جنك چشم براه نویسندگان نبودند - هرگز رادیو اینقدر وقت خود را مصروف اثر نویسنده های آنان نمیکرد . این از مد نیست . صدای او بسینه حکم نان ضروری را پیدا کرده است . قهرمانانی که دو جبهه هستند مقالات روزنامه ها را بریده و به نویسندگان خود میفرستند - بجای نامه عاشقانه ارسال میدارند - در کوله پشتی جنگجویان بهترین دوست و همدم را که کتاب نام دارد همیشه خواهید یافت . کتاب کتاب است . بیائید تفاوتی بین آنها قائل نشویم . بعضی کتابها حکم مهمات جنگی را داود - برخی بهای نان روزانه بکار میرود و کتابهائی هم هستند که بمنزله گل شگفته میباشند . همه لازمند . وقت است که طبقه بندی نویسندگان و کتاب بگذاریم . چطور است که نوشته اگر بصورت اثر و یا هنر باشد چرو ادبیات عالیه شمرده میشود و اگر اثر باشد مقاله روزنامه است و در طبقه «تبلیغات» داخل میشود ؟ ولی نوشته های پرشکیب هم تبلیغات است ومقالات کرنیو و چرچیل وشوسکی هم جزو شاهکار های هنر نویسندگی محسوب میگردد اگر بین بکوبنده مجوزنامه هائی که نقاب از رخسار کریه دشمن بر میدارد - در نظر فلان کارمند ادب اما از تابش نامه و زمان ها پست تر است - پاسخ خواهم داد که در عرصه نبرد تفنگ تبر اندار ماهر از تاج افتخاری که نصیب وی میگردد پست تر نیست . اگر بگویند که بنظر فلان بشری اکنون هنگام شعر گفتن و غزل سرائیدن نیست پاسخ خواهم داد که قهرمان میدان جنك تنها گلوله لازم ندارد بلکه حرارت بشری هم برایش ضروری است . ضرورت رادیوی ما آوازهای موسیقی که با اشعار لرمتنوف وقت و تولستوی تطبیق شده بخش میکند و من گمان نمیکنم که این نشریات رادیو به متوفیات تقدیس داده باشد . در خندقها و سنگر های زیر زمینی مردم در باره داستان های تورگنف و تولستوی بحث میکنند و کتب کورکی و بالزاك و چخوف و هوگو را می خوانند . طوب ما باید از این واقعه پر از غرور شود . خوانندگان خوبی داریم . بیائید حس اعتنا آنان را فریب

ضمیمه ستون سیاه شماره ۲۸

در اطراف ملك مدنی

در شماره ۱۷۲ آن جریده هریك شرحی راجع به آقای ملك مدنی نوشته شده بود که بسیاری از گفتنی ها را نگفته بودند ، نگارنده لازم دیدم بعضی از مطالب لازم را بنگارم تا در صورتیکه لازم بداند بنام ملاحظات سیاه اضافه فرمایند :

نخست اینکه آقای ملك مدنی که هاکرد رئیس التجار رضوی بود چندی خود نیز بکسب اشتغال داشته و ورشکست شد و در حال ورشکستگی متوسل به سپهبد احمدی که در آن موقع آتشم در غرب ایران افروخته بود گردید . ضایع سپهبد احمدی در غرب یکی از داستانهای تاثر آور عصر دیکتاتوری است زیرا این مرد کلیه خوانین لرستان را از بین برده اموال آنانرا یغما کرد .

بخاطر دارم یك روز دوازده نفر از سرکردگان لرستان را که در یك مکانی بودند دستگیر کرد و بلافاصله بدار زد و پس از اینکه جنازه آنها را از دار برای دفن کردن پائین آوردند دستور داد که با گاو آهن روی قبر آنها شخم زده جو کاشتند با این ترتیب اشخاص متفاه و متمول از ترس جان خود حاضر بودند هر مقدار که آتش طمع احمدی را خاموش کند بپردازند و برای این اخاذیها سپهبد احمدی دلالهائی داشت که بعد به آنها کمکهای شایانی نموده .

آنها نیز بنوائی رسیدند . ملك مدنی ورشکسته که آنموقع مشهور بهاشم آقا بود بدستگاه سپهبد راه یافت و سپهبد او را بنام نماینده مجلس موسمان بطهران فرستاد .

از وقتیکه ملك مدنی بطهران آمد شروع بکار چاق کنی نمود و اشخاص را در ازاء گرفتن حق دلالی بادارات دولتی ملایر و نهاوند و تویسرکان فرستاد و دیگر اینکه بوسطه نفوذی که داشت دست اندازی باملاك چند نفر نموده و بوسیله همان عدلیه فرمایشی ، اسکلهای بتاج خودصادر و اموال مردم را ضبط کرده انحصار های دولتی و هرکت های خشکبار نفت و غیره را در این سه شهر در دست خود گرفت و امین مدنی دائی او که در ملایر بابلیس مشهور است عامل موثری در این خرابکاریها و اجحافات میباشد

خلاصه تا شهریور ماه ۱۳۲۰ ایشان وکیل فرمایشی بودند و با اینکه و کلای عصر رضا خان در این اواخر قدرت و نفوذی نداشتند آقای ملك مدنی بوسیله تردستیها طوری خود را معرفی میکرد که از او حساب میبردند .

برای نمونه : در طهران آقای ملك مدنی با روسای کارگزینیهای وزارتخانه ها آشنائی داشت و چون ایشان هیچ شبی کلوب ایران را ترك نمیکرد طبعا با اعضاء فاسد ادارات که هرشب در آنجا هم پیاله بوده و گرد یك میز قمار می نشستند سر و کار داشت .

وقتی اطلاع پیدا میکرد که ملك فلان عضو عدلیه ملایر برفت انتقال باغانه فوری بهمان امین مدنی مصروف بابلیس اطلاع میداد و امین مدنی در ملایر نزد رئیس عدلیه رفته اظهار عدم رضایت مینمودو با تغییر بیرون میامد پس از چند روز حکم انتقال آن عضو می آمد رئیس دادگستری بینمك شده حساب کار خود را میکرد پس از شهریور ۱۳۲۰ اهالی ملایر و نهاوند و تویسرکان که از این تعدیات به تنك آمده بودند تلگرافی بمرحوم فروغی نموده اظهار داشتند این شخص وکیل ما نیست و دولت باید ترتیب اثری بوکالت تحمیلی او بدهد . مرحوم فروغی جواب داد که کار در دست من نیست و با خود مجلس است و چنانچه اطلاع دارید مجلس میرودهم را که نمایندگان آن تحمیلی و فرمایشی بودند افتتاح کرد

در دوره چهاردهم که دولت آزادی انتخابات را اعلام داشت مردم در صدد برآمدند که دیگری را انتخاب کنند و چنانچه در آن روزنامه منتشر فرمودند اهالی ملایر و تویسرکان آقای پارسا را در نظر گرفتند سپهبد احمدی که در آنموقع وزیر جنك بود ۶۰۰ سرباز بملایر و تویسرکان اعزام داشت و پس از یك هفته زد و خورد و تیر اندازی و تحصن مردم در تلگرافخانه ، اعظم رکن فرمانده ملایر موفق شد که آواره مردم را عوض نموده ملك مدنی و اسماعیل غاری را که آنهم داستان جداگانه دارد بوکالت معرفی کند .

پس از آن اهالی بطهران آمده درمجلس تحصن و عرایض خود را بوسیله روزنامه های پولاد - ستاره - بهرام - میهن پرستان - مردم - کیهان و جریده بکر باطلاع رسانده ولی ملك مدنی بواسطه بستگی با باند سپاه توانست اعتبار نامه خود را بتصویب برساند . اینکه اشاره شده بود اطرافیان ملك مدنی در ملایر شورش مصنوعی ایجاد کردند سواد تلگراف خود ایشان را که در روزنامه هایز درج شده مینگارد

« تهران - ۹ شهریور . تویسرکان آقای خلیل فرزانه از اطراف بذولوه متشکر تلفنك تلگرافه شد

ملك مدنی

دیگر هیچ تردیدی باقی نیست از اینکه اطرافیان خود را مسلح نموده و هر وقت بخواهند اموالی راه افتاده تلگرافی جند نفر را متهم میکند فوری مامورین دادگستری هم مردم را حبس و هروج باخاغی مینمایند اخیرا اهالی تویسرکان که هنوز بعقیده خودباقی هستند تلگرافی باعلیحضرت همایونی و دولت دوستصریح کردند که وکیل حقیقی آنها آقای پارسا تویسرکانی میباشند عین تلگراف در روزنامه کیهان منتشر شده

لویم - فکور

اخطار

بنا به تقاضا و صلاحدید عده از نمایندگان صالح مجلس شورای ملی از شماره بعد تا مدتی از انتشار ستون سیاه خودداری خواهیم کرد

مجازات ، سیمین جنك

بقیه ازصفحه دوم

وابنی همدوره ایالی بعون وآتش آغشته گردیده است

بلی ، هنگامیکه برای جنایت کاران بین المللی مجازاتی در بین نباشد بسك ماجرا جوی خطرناك دارو دسته ای برای خود راه انداخته وبعضی گروه وسایل نامشروع و نابسندیده برای رسیدن به مقصود پلیدخویش متوسل گردیده و بر گردهٔ ملتی سوار میشودو بعضی این که موقع را مناسب دیده به جهانگیری رخون - خواری میپردازد اگر فاتح شد و سایر ملل رابز تحت اسارت در آورد که کامش بکام ونامش درتاریخ بعظمت و افتخار برده خواهد شد

ومجسمه او هم در همه جا برپا و مورد احترام خواهد گردید اگرهم موفق نشد کاری انجام دهد سر انجام ملت خود رادر بدبختی وفقر ومذلت وبی سرپرستی رها ساخته وبا اندوخته کافی بگوشه فارغی فرار میکند وبقیه عمررا در ناز و نعمت بسر میبرد مدعا که و بازخواستی در کار است ونه مجازاتی پس برای یکنفر ماجراجوی سنگدل چه بهتر از این!!

آماما آرزو داریم که ملل زنده و بیدار وتشنه آزادی این مرتبه چنان بر دهان این ماجرا جویان مشت حالت بکوبند که دو آینده کسی از این فرقه جرئت گریدن نشاید

همه میدانیم که موجب مقررات بین - المللی که پس از جنك گذشته تنظیم شده تهاجم وتوسل بقوه قهریه درحل اختلافات فیمابین دول تحریم گردیده بود ولی خودخواهی این مقررات را زیر پا گذارده و این جنك نتیجه را بپاساختند و باوسایلی که امروزه در نبردها بکار میرود وخرابی های گوناگون وبیحساب وتلفات بیشماری که در نتیجه وارد میشود نتیجهٔ قبول نبوده که درآخر کار ملل مغلوب تاوصای آنان مسبب این اهمال بوده اند بتوانند ازعهده غرامات وجبران خسارات مادی برآیند پس باید لااقل مسئولین این وقایع شوم را مجازات کرد واز همین حالا باید مبین هود کسانی که مسبب جنك بوده وآن مقررات رانقض نموده اند در کدام محکمه ومطابق چه آئینی محاکمه خواهند شدوطبق چه قوانینی مجازات خواهند گردید

اگر این مطلب ازحالا روشن نشود بیم آن میرود فردا که کنگره صلح برپا شد باز دچار الفاظ عوش صدا و نو بنیالی ومقررات غیرعملی گردیم و آنوقت باید منتظر باشیم تامجددا قلدری از کوه های بیرون آید ودیارا کشتارگاه سازد

اداره روزنامه آژیر
به خیابان لاله زار پاساژ بهارجنب روزنامه داریا منتقل شد
۰-۳

ضمیمه ستون سیاه شماره ۲۸

در اطراف ملك مدنی

در شماره ۱۷۲ آن جریده هریك شرحی راجع به آقای ملك مدنی نوشته شده بود که بسیاری از گفتنی ها را نگفته بودند ، نگارنده لازم دیدم بعضی از مطالب لازم را بنگارم تا در صورتیکه لازم بداند بنام ملاحظات سیاه اضافه فرمایند :

نخست اینکه آقای ملك مدنی که هاکرد رئیس التجار رضوی بود چندی خود نیز بکسب اشتغال داشته و ورشکست شد و در حال ورشکستگی متوسل به سپهبد احمدی که در آن موقع آتشم در غرب ایران افروخته بود گردید . ضایع سپهبد احمدی در غرب یکی از داستانهای تاثر آور عصر دیکتاتوری است زیرا این مرد کلیه خوانین لرستان را از بین برده اموال آنانرا یغما کرد .

بخاطر دارم یك روز دوازده نفر از سرکردگان لرستان را که در یك مکانی بودند دستگیر کرد و بلافاصله بدار زد و پس از اینکه جنازه آنها را از دار برای دفن کردن پائین آوردند دستور داد که با گاو آهن روی قبر آنها شخم زده جو کاشتند با این ترتیب اشخاص متفاه و متمول از ترس جان خود حاضر بودند هر مقدار که آتش طمع احمدی را خاموش کند بپردازند و برای این اخاذیها سپهبد احمدی دلالهائی داشت که بعد به آنها کمکهای شایانی نموده .

آنها نیز بنوائی رسیدند . ملك مدنی ورشکسته که آنموقع مشهور بهاشم آقا بود بدستگاه سپهبد راه یافت و سپهبد او را بنام نماینده مجلس موسمان بطهران فرستاد .

از وقتیکه ملك مدنی بطهران آمد شروع بکار چاق کنی نمود و اشخاص را در ازاء گرفتن حق دلالی بادارات دولتی ملایر و نهاوند و تویسرکان فرستاد و دیگر اینکه بوسطه نفوذی که داشت دست اندازی باملاك چند نفر نموده و بوسیله همان عدلیه فرمایشی ، اسکلهای بتاج خودصادر و اموال مردم را ضبط کرده انحصار های دولتی و هرکت های خشکبار نفت و غیره را در این سه شهر در دست خود گرفت و امین مدنی دائی او که در ملایر بابلیس مشهور است عامل موثری در این خرابکاریها و اجحافات میباشد

خلاصه تا شهریور ماه ۱۳۲۰ ایشان وکیل فرمایشی بودند و با اینکه وکلای عصر رضا خان در این اواخر قدرت و نفوذی نداشتند آقای ملك مدنی بوسیله تردستیها طوری خود را معرفی میکرد که از او حساب میبردند .

برای نمونه : در طهران آقای ملك مدنی با روسای کارگزینیهای وزارتخانه ها آشنائی داشت و چون ایشان هیچ شبی کلوب ایران را ترك نمیکرد طبعا با اعضاء فاسد ادارات که هرشب در آنجا هم پیاله بوده و گرد یك میز قمار می نشستند سر و کار داشت .

وقتی اطلاع پیدا میکرد که ملك فلان عضو عدلیه ملایر برفت انتقال باغانه فوری بهمان امین مدنی مصروف بابلیس اطلاع میداد و امین مدنی در ملایر نزد رئیس عدلیه رفته اظهار عدم رضایت مینمودو با تغییر بیرون میامد پس از چند روز حکم انتقال آن عضو می آمد رئیس دادگستری بینمك شده حساب کار خود را میکرد پس از شهریور ۱۳۲۰ اهالی ملایر و نهاوند و تویسرکان که از این تعدیات به تنك آمده بودند تلگرافی بمرحوم فروغی نموده اظهار داشتند این شخص وکیل ما نیست و دولت باید ترتیب اثری بوکالت تحمیلی او بدهد . مرحوم فروغی جواب داد که کار در دست من نیست و با خود مجلس است و چنانچه اطلاع دارید مجلس میرودهم را که نمایندگان آن تحمیلی و فرمایشی بودند افتتاح کرد

در دوره چهاردهم که دولت آزادی انتخابات را اعلام داشت مردم در صدد برآمدند که دیگری را انتخاب کنند و چنانچه در آن روزنامه منتشر فرمودند اهالی ملایر و تویسرکان آقای پارسا را در نظر گرفتند سپهبد احمدی که در آنموقع وزیر جنك بود ۶۰۰ سرباز بملایر و تویسرکان اعزام داشت و پس از یك هفته زد و خورد و تیر اندازی و تحصن مردم در تلگرافخانه ، اعظم رکن فرمانده ملایر موفق شد که آواره مردم را عوض نموده ملك مدنی و اسماعیل غاری را که آنهم داستان جداگانه دارد بوکالت معرفی کند .

پس از آن اهالی بطهران آمده درمجلس تحصن و عرایض خود را بوسیله روزنامه های پولاد - ستاره - بهرام - میهن پرستان - مردم - کیهان و جریده بکر باطلاع رسانده ولی ملك مدنی بواسطه بستگی با باند سپاه توانست اعتبار نامه خود را بتصویب برساند . اینکه اشاره شده بود اطرافیان ملك مدنی در ملایر شورش مصنوعی ایجاد کردند سواد تلگراف خود ایشان را که در روزنامه هایز درج شده مینگارد

« تهران - ۹ شهریور . تویسرکان آقای خلیل فرزانه از اطراف بذولوه متشکر تلفنك تلگرافه شد

ملك مدنی

دیگر هیچ تردیدی باقی نیست از اینکه اطرافیان خود را مسلح نموده و هر وقت بخواهند اموالی راه افتاده تلگرافی جند نفر را متهم میکند فوری مامورین دادگستری هم مردم را حبس و هروج باخاغی مینمایند اخیرا اهالی تویسرکان که هنوز بعقیده خودباقی هستند تلگرافی باعلیحضرت همایونی و دولت دوستصریح کردند که وکیل حقیقی آنها آقای پارسا تویسرکانی میباشند عین تلگراف در روزنامه کیهان منتشر شده

لویم - فکور

اخطار

بنا به تقاضا و صلاحدید عده از نمایندگان صالح مجلس شورای ملی از شماره بعد تا مدتی از انتشار ستون سیاه خودداری خواهیم کرد

www.iran-archive.com